

چیستی اخلاق کاربردی اسلامی؛ موضوع روش و هدف

محمدجواد فلاح*

چکیده

ارائه اخلاق کاربردی اسلامی در گرو ارائه تعریفی مبتنی بر مبانی و منابع اخلاق اسلامی است تا بتوان بر اساس آن ساز و کار اخلاق کاربردی اسلامی را بنا نهاد. اخلاق کاربردی اسلامی حوزه دانشی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی است که می‌تواند راه حل‌هایی را برای مسائل جدید اخلاقی دوران معاصر پیشنهاد دهد. اولین گام در این حوزه بیان تعریف اخلاق کاربردی اسلامی است. در تعریف منتخب این مقاله موضوع، هدف و روش اخلاق کاربردی مورد تمرکز و توجه قرار گرفته است که این سه مولفه وجه تمایز تعریف اسلامی و تعاریف رایج در اخلاق کاربردی را نشان خواهد داد. نظریه اخلاقی اسلام مبتنی بر مبانی الاهیاتی و انسان‌شناختی و مبتنی بر وحی است. در نتیجه اخلاق کاربردی را در یک نظام طولی برای تحقق اهداف متعالی دین که آیین نامه حیات معقول انسان است، نشان می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: اخلاق کاربردی اسلامی، موضوع اخلاق کاربردی، هدف اخلاق کاربردی، روش اخلاق کاربردی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* دانشیار گروه اخلاق دانشگاه معارف اسلامی (fallah@maaref.ac.ir)

مقاله علمی پژوهشی (تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۲)

۱. بیان مسئله

یکی از مهم ترین مولفه‌های تاثیر گذار در شکل گیری علوم انسانی اسلامی که به شکل بنیادین می‌تواند در ایجاد بستر لازم برای حرکت در این علوم شود بازخوانی مجدد تعریف‌های علوم اسلامی است. از آنجایی که در تعاریف حوزه‌های دانش سه مولفه موضوع، روش و هدف بسیار اساسی و حائز اهمیت است می‌توان مبتنی بر مبانی و منابع اسلامی تعاریف رایج از علوم اسلامی را مورد بازخوانی و تجدید نظر قرار داد.

تعریف (معرف یا قول شارح) در لغت به معنای شناساندن، آگاهانیدن و حقیقت امری را بیان کردن است. (معین، ۱۳۶۰: ج. ۲، ص. ۱۱۰۰؛ زوزنی، ۱۳۷۴، ج. ۲، ص. ۵۷۵). و در اصطلاح به معنای تبدیل مجهولات تصویری به معلومات است با توسل به معلومات تصویری دیگر و، به عبارت دیگر، زدودن جهل نسبت به امری با توسل به علم به امور دیگر. به بیان دیگر به معنای مجموع تصورات معلومی است که موجب معلوم شدن تصور مجهولی می‌شود. (خوانساری، ۱۳۷۶، ص. ۲۵۱).

اخلاق کاربردی را در زمره علوم انسانی می‌توان شمرد چرا که محققان علوم، انسان و ابعاد وجودی او را موضوع علوم انسانی می‌دانند و البته برخی معتقدند هر دانشی که مربوط به حوزه اندیشه آدمی است را می‌توان در زمره علوم انسانی دانست لذا برخی با تقسیم علوم به سه دسته‌ی علوم فیزیکی، زیستی و انسانی، علوم انسانی را شامل تاریخ، اقتصاد، روان‌شناسی و حقوق که به اسم‌های گوناگون از قبیل «علوم انسانی»، «علوم اجتماعی»، «علوم تاریخی»، «علوم اخلاقی»، «علوم فرهنگی»، «علوم روحی» و «علوم توصیف افکار» (مصباح یزدی، ص. ۱۶-۱۷) علوم انسانی را علومی دانسته‌اند که «با فکر و اندیشه‌ی انسان سروکار دارد؛ یعنی متعلق این علوم با فکر و

اندیشه‌ی انسان ارتباط دارد» متعلق علوم انسانی را «اندیشه‌ی انسان» دانسته‌اند لذا می‌توان گفت علوم انسانی علمی‌اند که متعلقشان ارتباط با فکر انسان دارد. دبیرخانه علوم انسانی، ص. ۲۰-۲۱).

از جمله علوم انسانی اخلاق است. این پژوهش با توجه به تعاریفی که از اخلاق کاربردی صورت گرفته است در صدد ارائه باز تعریفی از اخلاق کاربردی با رویکرد اسلامی است. قبل از تعریف اخلاق کاربردی به نظری رسد مبتنی بر مبانی و آموزه‌های اسلامی در تعریف رایج از اخلاق - که اغلب اخلاق پژوهان اسلامی آن را ارائه می‌کنند - نیز باید تجدید نظر نمود. از آنجایی که در میراث مکتوب اخلاقی موجود در حوزه اخلاق اسلامی تعریف اخلاق و علم اخلاق مبتنی بر رویکرد فلسفی اخلاق شکل گرفته است تجدید نظر در این تعریف بر اساس آموزه‌های مندرج در تعالیم و حیانی ضروری است که در پژوهش مستقلی بدان پرداخته شده است (فلاح، ۱۴۰۰، ص. ۳۹).

در این پژوهش ضمن ارائه تعاریف موجود از اخلاق کاربردی و نقد اجمالی بر اساس معارف اسلامی، به تعریفی اسلامی از اخلاق کاربردی اشاره کرده و موضوع، هدف و روش اخلاق کاربردی را از منظر اسلامی مورد دقت و بررسی قرار می‌دهیم.

برای تبیین چیستی اخلاق کاربردی و تبیین سه مولفه موضوع، هدف و روش پیشنهاد تعریف اولیه ضروری است. بسیاری از این تعاریف در منابع مترجم نیز منعکس شده است؛ مطابق برخی از این منابع اخلاق کاربردی را که اخلاق عملی و نیز به ندرت، اخلاق ناخالص نیز نامیده‌اند طبق دیدگاه رایج به دنبال این است که حقایق اخلاقی عام را که در اخلاق هنجاری کشف شده است، در افعال، تجربه‌ها، یا سازمان‌های خاص به منظور حل مسائل اخلاقی به کار بندد. از اینرو در جهت دفاع از

مدعیات اخلاقی واقعی با اخلاق هنجاری هم سو است. (Archard, 2013, 320-335)

برای این قسم از مطالعات اخلاقی تعاریفی شده که قابل بررسی و ارزیابی است از جمله تعریف برنارت گرت که معتقد است اخلاق کاربردی به معنای «کاربست یک نظریه اخلاقی در برخی از مسائل اخلاقی خاص یا در مجموعه ای از این مسائل به منظور حل آنها» (Gert, 1982, p. 51-52) ولی به باور برخی، بسیاری از پژوهندگان این رشته به دلایلی ترجیح می دهند که برخلاف گرت، اخلاق کاربردی را به کاربرست تعریف نکنند (Beauchamp, 1999, 38) زیرا چنین تعریفی اخلاق کاربردی را بیش از اندازه محدود می کند و ماهیت واقعی آن را نشان نمی دهد. از این رو تعریف وسیع تری مثل تعریف ذیل را پیشنهاد می کنند:

استفاده انتقادی از نظریه و روش های تحلیل فلسفی برای مواجهه اساسی با مسائل و مشکلات اخلاقی در حرفه ها، فن آوری، سیاست جمعی، و مانند آن (Beauchamp, 1984, 514-515)

برخی پژوهندگان حوزه اخلاق تعریف وسیع اخلاق کاربردی را پذیرفته اند که به کارگیری طیفی از روش های فلسفی (شامل تحلیل مفهومی، توازن متفکرانه، پدیدارشناسی، و غیره) را مجاز می داند، و بر حل مسئله به عنوان هدف تأکید نمی کند. (اسلامی، ۱۳۸۹، ص. ۲۴)

برخی دیگر از محققان اخلاقی تعاریف دیگری از اخلاق کاربردی ارائه کرده اند به عنوان نمونه خزاعی در مقاله ای که به ماهیت اخلاق کاربردی می پردازد، سه نوع رویکرد، یعنی شناسایی هنجارها، حل مشکلات جزئی و ارزیابی عملکردها، در تمام حوزه های حرفه ای و غیر حرفه ای را جزو وظایف اخلاق کاربردی می داند. (خزاعی،

۱۳۸۶، ص. ۲۰۲) از سویی برخی دیگر از صاحب‌نظران حوزه اخلاق در تعریف اخلاق کاربردی «کاربرد نظریه‌های کلی اخلاقی، یا احکام حاصل از آنها در مسائل خاص اخلاقی» یا «کاربرد مبانی و معیارهای اخلاقی در حوزه یا مسئله‌ای خاص» را بیان کرده‌اند. (شریفی، ۱۳۹۰، ص. ۸۶)

جدا از تعاریف ذکر شده و انتقاداتی که از تعریف محدود و صحه‌ای که بر تعریف موسع گذاشته شده و نیز تعریف‌هایی که ارائه گردیده است این نکته حائز اهمیت است که در تعریف اخلاق کاربردی با رویکرد اسلامی قید اسلامی باید در تعریف مورد ملاحظه قرار گیرد. نگارنده در پژوهشی مستقل با نگاه انتقادی به تعاریف ذکر شده ضمن تبیین قید اسلامی برای اخلاق کاربردی اسلامی تعریفی را پیشنهاد داده است. (فلاح، همان) البته تاحدی این قید می‌تواند در بر دارنده نظریه اخلاقی متخذ ما نیز باشد. در اصل در تعریفی که ما از اخلاق کاربردی اسلامی ارائه می‌کنیم به نحوی نظریه‌های جاری پذیرفته شده و مقبول ما که مبتنی بر دیدگاه‌های اسلامی است نیز منطوقی است. بر اساس چنین قیدی نظریه پذیرفته ما دیدگاه اسلامی است و اخلاق کاربردی اسلامی را باید مبتنی بر جایگاه و نقش فاعل اخلاق در منظومه عام تری از باورهای اعتقادی و مبانی نظری مورد توجه قرار داد. بر این اساس مبتنی بر مباحث پیش گفته تعریف پیشنهادی اخلاق کاربردی بدین مضمون قابل ارائه است:

«تبیین، تحلیل، قضاوت (حکم)، تصمیم و اقدام اخلاقی مناسب در وضعیت‌های

دشوار/ خاص اخلاقی^۱ بر اساس الگوی متخذ از مبانی و منابع اسلامی است.^۲
 بر اساس تعریف پیش گفته و با توجه به اینکه ما قید اسلامی را در اخلاق
 کاربردی اسلامی دارای نقش تعیین کننده می دانیم بایستی ساز و کار اخلاق
 کاربردی را نیز براساس اندیشه و تفکر اسلامی بنا نهاد لذا در تعریف ذکر شده
 این مولفه ها تعیین کننده است: ۱. تعریف و تصویر اسلامی از اخلاق؛ ۲. منابع
 اخلاق اسلامی (اصلی و تبعی)؛ ۳. مبانی متخذ از منابع اسلامی؛ ۴. اصول و قواعد
 هنجاری نظام یافته

با توجه به تعریف پیش گفته می توان سه مولفه اساسی در تعریف دانش یعنی
 موضوع، هدف و روش را مورد بازخوانی قرار داد و از منظر اسلامی به تعریفی اولیه
 از اخلاق کاربردی اسلامی دست یافت. در این مقاله مبتنی بر سه مولفه موضوع،
 هدف و روش به تبیین مسئله پرداخته خواهد شد.

۲. موضوع اخلاق کاربردی اسلامی

موضوع هر علمی عبارت است از آن چیزی که در آن علم از احوال و عوارض او
 گفتگو می شود و قضایای مربوط به او حل می شود. تدبیر و تدقیق در مسائل هر
 علمی و تجزیه ی مسائل آن روشن می کند که همه ی آن مسائل بیان احکام و آثار و
 عوارض و حالات یک شیء بخصوص است و همان شیء بخصوص است که همه ی

۱. قید «اخلاقی» به پیشنهاد یکی از داوران محترم فصلنامه به تعریف اضافه گردید.

۲. این تعریف ناظر به موقعیت هایی است که شخص باید تصمیم فردی اتخاذ کند. این تعریف به عنوان کرسی
 ترویجی نیز ارائه گردید که ناقد محترم جناب آقای دکتر مسعود آذربایجانی پیشنهاد دادند نگاه سازمانی و
 تصمیم های اخلاقی سازمان ها و نیز عملکرد آنها نیز می تواند در حوزه این تعریف وارد شود و تعریف را جامع تر
 خواهد ساخت. از ایشان بابت نکته طرح شده متشکرم.

آن مسائل را به صورت افراد یک خانواده در آورده است و ما آن را موضوع آن علم می‌نامیم. موضوع در اخلاق کاربردی چیست؟ کدام امر در اخلاق کاربردی محور همه مسائل پیرامونی آن است. بنظر می‌رسد تصمیم اخلاقی موضوع اخلاق کاربردی باشد.

با عنایت به این که موضوع علم اخلاق افعال اختیاری و صفات اکتسابی انسان، یا به تعبیر برخی پژوهشگران اخلاقی: رفتار ارتباطی پایدار انسان است (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۸، ص. ۶۰) درباره موضوع اخلاق کاربردی این پرسش مطرح است که آیا موضوع اخلاق کاربردی نیز اینچنین است؟ البته بین موضوع اخلاق و علم اخلاق فرق گذاشته و موضوع علم اخلاق را نیز اوصاف و صفات یا فضایل و رذایل می‌دانند که در این صورت آیا می‌توان موضوع علم اخلاق را با اخلاق کاربردی یکی دانست. برخی محققان اخلاقی این امر را منتفی می‌دانند و بین این دو حوزه علمی فرق قائلند و معتقدند: «در علم اخلاق، ما با فهرست بلندی از خوبی‌ها و بدی‌های اخلاقی مواجهه هستیم. اما در اخلاق کاربردی، تلاش بر این است که با تمسک به مبنا و معیاری مشخص در حوزه ارزش‌ها، حکم اخلاقی مسئله یا مسائلی خاص را تبیین کند.» (شریفی، ۱۳۹۰، ص. ۸۷) بر این اساس مسئله در باب اخلاق کاربردی قدری متفاوت است. در این میان برخی در تعریف اخلاق کاربردی بر موضوع بحث تمرکز نموده‌اند. با توجه به تعاریف صورت گرفته از اخلاق کاربردی می‌توان موضوع این دانش را بر اساس تعاریف تشریح کرد. موضوع اخلاق کاربردی در واقع همان مسائل واقعی در زندگی روزمره است که بعد هنجاری و ارزشی دارند. این موضوعات غالباً در اثر پیشرفت فن آوری پدید می‌آیند. اخلاق کاربردی با جستجو و

کاوش در ابعاد مختلف یک موضوع و با تکیه بر اصول پذیرفته شده اخلاقی همواره گزینه‌های جدیدی را برای عمل و تصمیم‌سازی پیش روی می‌نهد که ارزشها و اصول اخلاقی موجود، ملاک کارآمدی برای ارزیابی آنها ندارد.

با توجه به تعاریف صورت گرفته از اخلاق کاربردی برخی معتقدند موضوع اخلاق کاربردی: «افعال اختیاری و صفات اکتسابی آدمی یا رفتار ارتباطی پایدار او در حیطه‌های مسئله خیز اخلاقی در زندگی فردی، اجتماعی، حرفه‌ای، و زیست محیطی و...» است. به عبارتی دیگر موضوع اصلی کاوش‌های اخلاق کاربردی جستجو و بررسی حیطه‌های تاریک و روشن یا حیطه‌های خاکستری^۱ اخلاق است. حیطه‌هایی که داوری اخلاقی درباره آنها ما را به عبارت «از سویی و از سوی دیگر» سوق می‌دهد؛ یعنی از سویی موافق با ارزش یا ارزش‌هایی اخلاقی هستند و از سویی دیگر مخالف با ارزش یا ارزش‌های اخلاقی دیگری هستند. در اصل از آنجایی که رسالت اخلاق کاربردی در جایی است که امکان‌ها و احتمال‌های بدیل هنجاری نتواند به روشنی و بدون تردید جواز یا منع اخلاقی را نشان دهند (جمععی از نویسندگان، ۱۳۸۹، ص. ۲۴) در این صورت باید از چنین موقعیت‌هایی به عنوان موضوع اخلاق کاربردی یاد کرد.

با مرور بر منابع و آثار اخلاق کاربردی درمی‌یابیم که اندیشمندان این رشته با دو رویکرد یا دو گرایش به مطالعه، پژوهش، و نیز آموزش پیرامون موضوع این دانش پرداخته‌اند: یکی رویکردی که بیشتر از سوی فیلسوفان و اندیشمندان دانشگاهی دنبال می‌شود و می‌توان آن را رویکرد فلسفی نامید، و دیگری رویکردی که بیشتر از

1. gray arias

سوی متخصصان حرفه‌ها و سازمان‌های گوناگون دنبال می‌شود و می‌توان نام رویکرد حرفه‌ای یا سازمانی بر آن نهاد. رویکرد نخست حیطه‌های خاکستری را نه صرفاً به غرض حل مسئله و رسیدن به تصمیم اخلاقی، بلکه همچنین به هدف تحلیل‌های فلسفی و سنجش میزان دقت نظریه‌های اخلاقی مطالعه می‌کند. در حالی که در رویکرد دوم حل مسئله و رسیدن به تصمیم هدف اصلی است که جستجوی آن سبب می‌شود که موضوعات دیگری همچون فهم وظیفه بالفعل بر اساس نظریه اخلاقی، ارزیابی عمل‌کردها، و روش‌های حل مسئله و تعارض اخلاقی، به عنوان موضوعات فرعی در کنار موضوع اصلی بررسی و مطالعه شوند. (همان)

در این صورت موضوع اخلاق کاربردی آیا دوراهی‌های اخلاقی و تعارض‌هاست یا می‌تواند قلمروی عام‌تر هم داشته باشد. آیا موضوع اخلاق کاربردی در ارتباط با فاعل اخلاق کاربردی شکل می‌گیرد. اگر این چنین است در این صورت موضوع اخلاق کاربردی گوناگون و متعدد است. از توصیف تا تحلیل و از تحلیل تا قضاوت و نیز تصمیم و اقدام فاعل اخلاقی همه می‌تواند موضوع این علم باشد در این صورت دانشمند اخلاق کاربردی در این حیطه‌ها باید ورود پیدا کند:

۱. در مرحله توصیف و تبیین: بیان ویژگی‌های دقیق موقعیت‌های اخلاقی در معرض چالش: به عنوان مثال برای تصمیم‌گیری یک پزشک برای سقط جنین همه گزینه‌های محتمل دقیقاً تبیین شود؛ ممکن است در این مرحله با سهل‌انگاری تبیین درستی از موقعیت‌ها صورت نگیرد در نتیجه تحلیل‌ها نافرجام و ناقص خواهد شد و در نتیجه قضاوت و حکم اخلاقی و درنهایت تصمیم و اقدام صورت گرفته نیز ناصواب می‌گردد.

۲. در مرحله تحلیل: تحلیل موقعیت‌های اخلاقی متعارض نیز باید به شکل منطقی

و دقیق صورت گیرد. ممکن است در مرحله تبیین ما با مشکلی مواجه نباشیم ولی در تحلیل‌ها دقت کافی نداشته باشیم از اینرو تحلیل‌ها نیز باید به شکل صحیح و منطقی صورت پذیرد.

۳. در مرحله قضاوت: بسیاری از افراد در مرحله قضاوت اخلاقی دچار مشکل می‌شوند؛ غلبه عقلانیت، ورود احساسات، در نظر نگرفتن جوانب و بسیاری از عوامل درونی و بیرونی ممکن است فرد را دچار قضاوت اخلاقی نادرست کند. از این جهت در اخلاق کاربردی باید این مطلب مورد توجه قرار گیرد. برخی ویژگی‌های منشی مثل ترسو بودن، بی رحم بودن و... می‌تواند چنین قضاوتی را با مشکل مواجه سازد.

۴. در مقام تصمیم: این مرحله پس از قضاوت صورت می‌گیرد. ممکن است فاعل اخلاقی در نهایت به قضاوت و حکم اخلاقی درست دست یابد ولی در مقام تصمیم‌گیری نتواند به قضاوتش پای بند باشد. بسیاری از ما در مقام علم و قضاوت اخلاقی مشکل خاصی نداریم ولی در مقام تصمیم‌گیری با مشکل مواجهیم. به عنوان نمونه شهادت دادن شاهد برای فرزند یا پدر قاتل امری است اخلاقی ولی افراد در مقام تصمیم برای شهادت معمولاً دچار مشکل‌اند و سخت به تصمیم‌گیری مبادرت می‌ورزند.

۵. عملیات و اجرا: گاهی افراد تصمیم و عزم اقدام اخلاقی را دارند ولی در مواجهه با موانع درونی و بیرونی تصمیم اخلاقی خود را عملی نمی‌سازند. از این جهت در اقدام اخلاقی در موقعیت‌های خاص ممکن است رخنه و مشکلی ایجاد شود. به اعتقاد نگارنده عملکرد اخلاقی انسان در موقعیت‌های خاص یک فرایند چند

مرحله ای است که اخلاق کاربردی در همه این مراحل سهیم است. و از این رو می توان وظایف اخلاق کاربردی را نسبت به این مراحل شامل دانست. از این رو در تعریف اخلاق کاربردی همه این موارد را منظور ساختیم.

مهم ترین پرسش آن است که آیا بر اساس منابع اسلامی می توان چنین گستره ای از موضوعات را برای اخلاق کاربردی قائل شد آیا اخلاق کاربردی چند موضوعی است که ذیل یک چتر واحد می توان آن را جمع کرد و آن تصمیم اخلاقی در موقعیت های خاص است یا خیر دامنه موضوع را گسترده تر منظور کنیم؟

اگر کمی مبتنی بر سایر دانش های اسلامی بخواهیم به مسئله بنگریم زاویه دید ما متفاوت خواهد شد. در این صورت موضوع اخلاق کاربردی همان موضوع اخلاق است و موضوع اخلاق نیز همان موضوع دین. در اصل مسائل اخلاق کاربردی از جمله مسائلی است که بایستی از دین در باب آن اظهار نظر نمود. با چنین تصویری اگر امروز دانش کلام جدید برای پرداختن به مسائل جدید کلامی تاسیس شده و بر اساس برخی قرائت ها این مسائل باید بر اساس اصول مسلم دینی و انطباق این مسائل با روح دین حل و فصل شود، در موضوعات اخلاقی نیز بایستی حکم اخلاقی را مبتنی بر مسائل دینی مورد کنکاش قرار داد و درباره آن حکم و قضاوت نمود. به عنوان نمونه مسائل جدیدی مثل متاورس یا هوش مصنوعی ممکن است سوالات جدید اخلاقی را پیش روی ما قرار دهد. در این صورت این موضوعات با ابتدای بر اصول اخلاق دینی و روش های اجتهادی بایستی مورد قضاوت و بررسی قرار گرفته و به مدد آموزه های اسلامی حکم اخلاقی آن بدست آید. در اصل در جایی که ما با موضوع اخلاق کاربردی اسلامی سروکار داریم رسالت فاعل اخلاقی استنباط و توجه بر حکم اخلاقی

مستتبط از آموزه‌های اخلاقی اسلام است. به بیان دیگر در هر فعل اخلاقی یا هر دوراهی اخلاقی فاعل اخلاقی در صدد کسب رضایت شارع مقدس است.

۳. هدف اخلاق کاربردی

پرسش دیگری که این مقاله عهده دار پاسخ به آن است چیستی هدف اخلاق کاربردی اسلامی است. از نگاه منطق دانان غرض یا غایت علمی همان هدفی نهایی است که علم یا شاخه علمی برای نیل به آن تأسیس می‌شود. این هدف نیز مبتنی بر اهداف اخذ شده از تعالیم اسلامی که بر کل حیات انسانی سایه افکننده قابل دریافت است. به تعبیر رساتر نمی‌توان اهداف اخلاق کاربردی اسلامی را بدون در نظر گرفتن اهداف متعالی دین تفسیر نمود لذا در موقعیت‌هایی که فاعل اخلاقی می‌خواهد تصمیم بگیرد نمی‌تواند اهداف متعالی دین را نادیده بگیرد. چرا که اگر اعمال و رفتار و کردار انسان در راستای اهداف متعالی دین قابل معناست و تفسیر می‌شود. نظام تصمیم‌گیری اخلاقی برای موقعیت‌های خاص و دشوار را نمی‌توان بی ارتباط از این نظام غایی و سعادت ابدی منظور کرد. بر این اساس در تصمیم‌گیری‌ها آنچنان که برخی صاحب‌نظران اخلاقی بیان کرده اند نمی‌توان بر اساس غایات و نتایج صرفاً انسانی و حساب‌گرایانه تصمیم گرفت. در اصل به وزان غایاتی که در نظریه‌های هنجاری مد نظر است می‌توان به اهداف اخلاق کاربردی فکر کرد. در نگاهی دیگر اگر به رویکردهای اخلاق کاربردی با نگاه تاریخی نظر بیفکنیم متوجه چنین غایت و اهدافی خواهیم شد. رویکرد فلسفی به اخلاق کاربردی هدفی جز فلسفیدن و تمرین استدلال و برهان را نمی‌طلبد و در هویت و رویکرد حرفه‌ای اهداف و غایات حرفه مد نظر است چرا که اخلاق کاربردی آمده

است تا حرفه را پویا و زنده نگه دارد و برای صاحبانش سود سرشار سرازیر کند از این منظر هدف اخلاق کاربردی می‌تواند با اهداف حرفه همسو باشد. در هویت اخلاقی که بخشی از تاریخ اخلاق کاربردی را شکل می‌دهد بیشترین دغدغه اخلاق است و نگرانی‌های افراد بابت تصمیم‌های اخلاقی درست و غلط است. از این منظر انگیزه اخلاقی افراد می‌تواند دینی و نادینی - نه غیر دینی - باشد. در اصل دغدغه اخلاقی ممکن است مبتنی بر یک رویکرد نوع دوستی یا استدلال بر وظایف و مسئولیت‌های انسانی و اصول و قواعد اجتماعی - آنگونه که اخلاق سکولار بر آن پای می‌فشرد - استوار باشد. یا بر یک نوع وظیفه ایمانی و تکلیف مبتنی بر باور به خدا و آخرت صورت پذیرد. در این صورت هر فعل و انفعالی حتی تصمیم‌گیری در موقعیت‌های خاص و دشوار اخلاقی از چنین رسالت و دغدغه‌ای تهی نیست. با این وصف برخی پژوهندگان اخلاقی بر اساس دیدگاه‌های طرح شده نزد صاحب‌نظران غربی اهدافی را برای اخلاق کاربردی بیان کرده‌اند که ما را به غرض و غایت واحدی نمی‌رساند. (Archard, 2013, 333)

الف. هدف توصیه‌ای: نیل به نتیجه معقول درباره‌ی درستی یا نادرستی یک عمل. این هدف هنگامی که مسئله از مسائلی باشد که به شدت بحث‌انگیز است ارزش زیادی دارد. آن دسته از عالمانی که این هدف را دنبال می‌کنند گاه مشتاق هستند که نشان دهند نتیجه مطلوب آنها با طیف متفاوتی از اصول اخلاقی سازگار است و هر کدام از آن اصول را بپذیریم این نتیجه به دست خواهد آمد. دلیل این اشتیاق آن است که اگر ارزیابی اخلاقی معینی در میان طیفی از اصول اخلاقی متفاوت کارآمد باشد، آنگاه لازم نیست برای ارزیابی یک عمل به اتخاذ موضع درباره‌ی اصول بحث‌انگیز اخلاقی بپردازیم. مدیران

و متخصصان حرفه‌ها که برای تصمیم‌سازی، در جستجوی توصیه‌ی عالمان اخلاق کاربردی هستند، غالباً همین نتیجه را طلب می‌کنند. (اسلامی، ۱۳۹۳، ص. ۱۰).

ابتنای هدف در نگاه فوق بر اصول اخلاقی و توصیه‌ی ای بنا شده است. در اصل اگر بخواهیم به شکل ساده‌ای از اهداف در نگاه فوق پرده برداریم می‌توان برای فاعل اخلاقی هدف از اخلاق کاربردی را نیل به اصول اخلاقی و پرهیز از اصول غیر اخلاقی در تصمیم‌های اخلاقی دانست. در این صورت اصول و قواعد اخلاقی به شدت بر حوزه تصمیم‌گیری به جهت عملی و بر تئوری‌های اخلاقی به جهت نظری سایه می‌افکند.

ب. هدف توصیفی: توصیف ملاحظات اخلاقی اغلب متعارض پیرامون موضوع خاص، بدون این که با لحاظ همه ملاحظات، موضعی درباره‌ی درستی یا نادرستی اخلاقی آن موضوع اتخاذ کنند. برای مثال، اصل اخلاقی منع‌کننده از کشتن انسان‌های بی‌گناه را در ارتباط با سقط جنین در نظر بگیرید. برخی این اصل اخلاقی را می‌پذیرند، ولی انکار می‌کنند که جنین‌ها و نطفه‌ها انسان باشند. در این جا صرف تلاش برای روشن کردن این که کدام اصول اخلاقی بر این موضوع حمل می‌شود، ما را وارد حوزه پیچیده‌ای از مباحثی مانند چیستی ماهیت اشخاص انسانی می‌کند. (اسلامی، همان)

با چنین تفسیری اخلاق کاربردی در یک بی‌هدفی سرگردان است. به بیان واضح تر اخلاق کاربردی وظیفه اش روشن کردن موضوعاتی است که در تصمیم‌گیری اخلاقی می‌تواند تاثیر گذار باشد. اینکه فاعل اخلاقی بتواند تصمیم درستی بگیرد یا خیر وابسته به توصیف دقیق مولفه‌های موثر در یک تصمیم اخلاقی است. شاید در

نگاه اخلاق کاربردی چنین هدفی را بتوان در تبیین و ارائه الگوی مناسب در تعاریف و بیان ماهیت اشیا و نیز رویکردها و روش‌ها یافت. در اصل اگر بپذیریم که دین از باب «تبیان کل شیء» نسبت به امری فروگذار نکرده است از چنین دغدغه‌ای یعنی توصیف دقیق عوامل موثر بر یک تصمیم اخلاقی بی‌نیاز باشیم. این امر تا حدی می‌تواند مقبول و ما را مبتنی بر دیدگاه اخلاق اسلامی راضی کند ولی ما زمانی با دشواری مواجهیم که در برخی از دیدگاه‌ها و تعاریفی که از دین ارائه می‌شود برخی از مفاهیم با قرائت‌های متفاوت و گاه متعارض همراه می‌شود. در این صورت مواجهه ما دقیقاً شبیه مواجهه‌ای است که علمای فقه در بحث تعارض اصول فقه برای یافتن حکم شرعی داشته‌اند. البته در اینجا تفاوت‌هایی است که اجمالاً مجال بحث آنها نیست با این وصف میتوان بنا بر یک مبنا از این هدف فارغ شد و در اصل این هدف را در دانشی دیگر غیر از دانش اخلاق کاربردی دنبال نمود و فرض را بر این گذاشت که تبیین و توصیف دقیق مفاهیم یا عوامل موثر در حکم اخلاقی را به عنوان پیش فرض بدانیم. البته ممکن است چنین امری را نپذیرفته و اتفاقاً بررسی و تبیین چنین مفاهیم یا مولفه‌هایی را که در حکم اخلاقی ما موثر است در حوزه اهداف اخلاق کاربردی اسلامی بدانیم. در این صورت تبیین و توصیف میتواند موضوع اخلاق کاربردی اسلامی باشد.

ج. هدف معیاری: محک نظریه‌های اخلاق هنجاری و تقویت نظریه مطلوب. برخی نظریه‌پردازان به این دلیل به اخلاق کاربردی می‌پردازند که لوازم نظریه‌های هنجاری مختلف را در مواجهه با یک موضوع جزئی در اخلاق کاربردی بررسی کنند. گاه علاقه اصلی آنها نه به موضوع جزئی در اخلاق کاربردی، که به نظریه‌های

هنجاری تعلق دارد (Hare, 1986, 183). در واقع هدف اصلی آنها این است که با نشان دادن این که توان اقناعی لوازم نظریه هنجاری مورد قبولشان کمتر از نظریه‌های هنجاری رقیب نیست، نظریه هنجاری خویش را تقویت کنند. (همان، ص. ۱۱)

بنظر می‌رسد چنین دیدگاهی قابل پذیرش نیست چرا که هدف اخلاق کاربردی وابسته به امری است که باید خود در جای دیگر به اثبات برسد. در اصل اخلاق کاربردی بایستی بتواند نظریه پذیرفته شده را در موقعیت‌های مختلف به کار برده و به نتایج مطلوب دست یابد. مگر اینکه بگوییم بخشی از اهداف اخلاق کاربردی انطباق یک موقعیت خاص با دیدگاه مورد پیش فرض و پذیرفته شده است. در اصل جایی که کاربست نظریه اخلاقی پذیرفته شده ما چالش‌ها و اشکالات قابل توجهی را ایجاد می‌کند بایستی دانشمند اخلاق کاربردی با محک زدن موقعیت و نقض و ابرام آن و نیز سبک سنگین کردن احتمالات و شرایط دیدگاه هنجاری را به شکل دقیق تری سروسامان دهد در این صورت می‌توان از هدف معیاری سخن گفت.

د. هدف انتقادی: ارزیابی منتقدانه اخلاق عرفی در مسائل کاربردی. برخی از عالمان اخلاق کاربردی در پی شناسایی ناهماهنگی‌ها و عدم انسجام‌های موجود در دیدگاه‌های عرفی ما درباره مسائلی از اخلاق کاربردی هستند. برای نمونه، با این که پیتر سینگر خود را طرفدار رویکرد از بالا به پایین در اخلاق کاربردی معرفی می‌کند که به ظاهر با هدف توصیه ای سازگار است، ولی به دلیل این که در آثار خود، بدون هیچ استنادی به نظریه‌های هنجاری، از مبانی شهودی اخلاق عرفی انتقاد می‌کند (Singer, 2005, p. 331-352)، برخی او را دارای هدف انتقادی دانسته‌اند (Archard, 2013, p. 334).

با توجه به مبانی اسلامی که در صدد تامین اهداف متعالی انسان است چنین

رویکردی هدف تبعی است. در اصل کشف وظیفه اخلاقی درست و توانبخشی برای رسیدن به حکم صحیح اخلاقی مهم ترین هدف اخلاق کاربردی است مگر اینکه بگوییم بخشی از وظیفه اخلاق کاربردی به چالش کشیدن دیدگاه‌های رقیب برای رسیدن به دیدگاه صحیح اخلاقی است با این وصف در اخلاق کاربردی اسلامی با توجه به غایت و هدفی که دین دنبال می‌کند اخلاق کاربردی جهت می‌یابد؛ امری که در تعریف اخلاق نیز باید مورد توجه قرار گیرد. نگارنده در جای خود با نگاه انتقادی به تعریف رایج از اخلاق اسلامی این نکته را متذکر شده است که اخلاق اسلامی در قیود اخلاق فلسفی با رویکردی فضیلت‌گرایانه تحویل یافته و صرفاً با تمرکز بر قوای نفس و توان عقل در اعتدال قوا و در نهایت ظهور و بروز فضایل اخلاقی برجسته شده است، باری در نگاه اسلامی غایت و نتیجه اخلاق چه در مقام تحقق و عمل و چه در اهداف و آرمان‌ها عمیق‌تر و با هدف دین که سعادت و رسیدن انسانها به سعادت ابدی است گره خورده است. در این صورت یکی از عمده‌ترین دغدغه‌های اخلاق کاربردی اسلامی نیز باید تامین چنین منظور و هدفی باشد. لذا هر تفسیری که از اخلاق کاربردی و اهدافش مطرح می‌شود باید با توجه به چنین غایتی متعالی سنجیده شود. مسئله نوع تصمیم و اقدام ما به سعادت انسان گره خورده است. هدف در اخلاق اسلامی قطعاً کمال آدمی است. هر تصمیمی که بتواند حداکثر از سعادت را به ارمغان بیاورد می‌تواند مبتنی بر دیدگاه اخلاق کاربردی اسلامی باشد. اقدامی که معصومان علیهم السلام در قضاوت‌های خود داشتند بخشی از این غایت نگری متعالی است. به عنوان نمونه پیامبر خدا در مقام قضاوت پایبند امور و اصول شرعی و وحیانی است از اینرو فرمود «انما اقضی بینکم بالایمان و البینه».

برخی از نمونه‌های تاریخی در سیره و عمل مسلمین و به ویژه ائمه هدی در موقعیت‌های خاص و دشوار نشان دهنده سلوک الهی و پایبندی به چنین دغدغه‌ای است. به عنوان نمونه اقدام حضرت مسلم در نکشتن عیدالله بن زیاد، مسئله‌ای است که با یک چالش اخلاقی همراه است بر اساس برخی نقل‌ها بعضی گفته‌اند: مسلم می‌دانست که عیدالله مهدورالدم است، ولی این را هم می‌دانست که ترور صحیح نیست و از نظر اسلامی ممنوع است و در اصل یک نوع ناجوانمردی است و فقط در جنگ صحیح است؛ از اینرو هدف وسیله را توجیه نمی‌کند. لذا مهم‌ترین عامل خودداری مسلم از ترور عیدالله نهی اسلام و پایبند بودن به اخلاق ناب اسلامی بود. بر این اساس عمل به آموزه‌های اسلام و قانون اسلامی محترم است، ولو جان عیدالله باشد که بی‌ارزش است. البته آنچنان که نقل کرده‌اند صاحب‌خانه هم به کشتن عیدالله راضی نبود. (محمدی اشتهاردی، ۱۳۷۴، ص. ۶۹)

آنچنان که پیداست از منظر اسلامی پایبندی به اصول اخلاقی و تصمیم‌گیری در موقعیت‌های دشوار مبتنی بر مبانی الهیاتی و دینی است که نسبت به بسیاری از مسائل دستور به مراقبت و مراعات‌های لازم را داده است تا حقیقت زنده بماند و در پرتو آن انسان‌ها مسیر کمال و خیر را به شکل اختیاری بیمایند. از اینرو پیامبر خدا و معصومان علیهم السلام با آنکه اگر می‌خواستند نسبت به امور غیبی و پنهانی افراد علم پیدا کنند می‌توانستند ولی بنای ایشان زمینه‌سازی هدایت اخلاقی به شکل اختیاری برای افراد بود لذا در مجازات خطاکاران پیش از اقدام و ارتکاب جرم و قبل از آشکار شدن نیت پنهانشان اقدام نمی‌کردند. از اینرو تلاش در اخلاق کاربردی تامین حداکثر سعادت انسان بر اساس مبانی تعریف شده است. در این بخش نظریات

رقیب و دیدگاه‌های طرح شده بر اساس نظریات هنجاری چند گانه حائز اهمیت است. آیات مختلف که غایت افعال را عقل، تقوی، فوز، رحمت و رشد و امثال آن بیان می‌کند در راستای چنین هدفگذاری است. در بسیاری از حیطه‌های زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی با چنین دشواری‌ها و تصمیم‌گیری‌هایی مواجهیم. بسیاری از تصمیم‌گیری‌هاست که بر اساس چنین رویکرد خیر خواهانه و سعادت نگرانه می‌تواند مسیر عملکرد افراد را متفاوت سازد. لذا غایت مسائل اخلاق کاربردی با غایت اخلاق که همان غایت دین است مشترک است.

بر اساس تعریف جامعی که از اخلاق کاربردی اسلامی ارائه گردید می‌توان حضور اخلاق کاربردی را در عرصه‌های ذکر شده توجیه نمود و در راستای اهداف طرح شده به دستورالعمل‌هایی دست یافت. بخش عمده ای از روش اخلاق کاربردی اسلامی که متخذ از منابع است بر این اساس مورد توجه قرار گرفته که بدان خواهیم پرداخت.

۴. روش اخلاق کاربردی

روش‌ها در اخلاق از سه منظر قابل بررسی است؛ قدیمی‌ترین و مرسوم‌ترین روشی که علمای اخلاق نیز به کار می‌بردند، ناظر به علم اخلاق بوده است که در همین راستا برای دفع و رفع و همچنین ایجاد فضایل اخلاقی راهکارهای علمی و عملی پیشنهاد می‌دادند. (احمدپور و همکاران، ۱۳۸۹) روش دیگری که می‌توان از آن بحث کرد روشی است که ناظر است به تربیت اخلاقی، به منزله دانشی که پیوسته در حال گسترش و فربه شدن است. حیطه‌های مورد بررسی این روش، معمولاً حوزه‌های شناختی، عاطفی و رفتاری است. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۱) از سوی دیگر،

می‌توان روش‌ها را ناظر به اخلاق کاربردی مورد توجه قرار داد که مقصود ما در این پژوهش روش‌های حل مسائل، چالش‌ها و معضلات اخلاق کاربردی است. بر این اساس فیلسوفان، شیوه‌های متعددی را برای انجام استدلال اخلاقی به کار می‌برند که با توجه به نوع و نحوه به‌کارگیری مقدمات با یکدیگر متفاوتند؛ (خزاعی، همان) روش قیاسی^۱ یا به عبارتی، استدلال از بالا به پائین، روش استقرایی^۲ یا استدلال از پایین به بالا و روش بینابینی یا توازن متفکرانه^۳ که در روش اخلاق کاربردی اگر موضوع اخلاق کاربردی را عام تلقی کنیم یعنی توصیف و تبیین، تحلیل، قضاوت و داوری، تصمیم و در نهایت اجرای کار و فعل اخلاقی، می‌توان برای هر کدام از این مراحل روش را منظور کرد و روش ما در همه این حوزه‌ها تسری خواهد داشت. از سویی اگر آنچنان که بیان شد پیش فرض ما پذیرش نظریه اخلاقی اسلام است کاربرد روش در تبیین نظریه اخلاقی از حیثه بحث ما خارج است در این صورت بدست آوردن نظریه اخلاقی مناسب به عهده دانش اخلاق هنجاری است و الا اگر کشف نظریه درست نیز در حیثه اخلاق کاربردی باشد روش در این حوزه نیز مقصود است و تاثیر گذار. از این باب ما می‌توانیم روش‌های چند گانه عقلی، نقلی، شهودی و تلفیقی را مورد توجه قرار دهیم که درباره آن بحث خواهیم نمود. در ادامه ضمن گزارشی کوتاه از بررسی و ارزیابی هریک از این روش‌ها، روش برگزیده را که مبتنی بر آموزه‌های وحیانی، عقلانی، شهود و تجربه است را تبیین خواهیم نمود.

-
1. Inductivism.
 2. Deductivism.
 3. Reflective Equilibrium.

روش‌هایی در اخلاق کاربردی مورد اقبال پژوهشگران این عرصه قرار گرفته است و لی از جهاتی با نقیصه‌هایی مواجهند، از اینرو برای درک بهتر روش طرح شده در کلام علمی برخی از این روش‌ها را مورد ملاحظه قرار خواهیم داد.

۱.۴. قیاس‌گرایی در حل چالش‌ها

مطابق این دیدگاه، اخلاق کاربردی عبارت است از کاربست اخلاق یا نظریه اخلاقی قدیمی در حیطه‌های جدید. (خزاعی، همان، ص. ۳۲، اسلامی؛ همان، ص. ۲۳) قیاس‌گرایان بر نقش محوری نظریه‌های اخلاق هنجاری در ارزیابی و توجیه افعال و داوری‌های اخلاقی تأکید می‌کنند. (اسلامی، ۱۳۸۶، ص. ۳۱) این روش به این دلیل قیاس‌گرایی نامیده شده است که در استدلال برای اثبات مدعیات و داوری‌های اخلاقی از روش قیاس منطقی بهره می‌گیرد و از آن‌جا که کبرای این قیاس از مطالعه در نظریه‌های اخلاقی طلب می‌شود، این روش به استدلال نظریه‌محور^۱ نیز شهرت دارد. (همان) به این شیوه که از طریق آن، وظیفه خاصی را براساس امور کلی تعیین می‌کنیم، اصطلاحاً شیوه از بالا به پائین می‌گویند. (خزاعی، همان، ص. ۳۲)

اما مشکل این دیدگاه انتزاعی بودن آن است که فایده آن را در مواجهه با مشکلات واقعی بسیار کم کرده است. همچنین جداسازی اندیشه اخلاقی از واقعیات اجتماعی، سنن، عادات و رفتارهای فرهنگی خاص، تاریخ‌ناگرایی و مشکلات ناشی از اعمال توأم با ابهام اصول عام در موارد خاص که نیازمند به تعدیل مضمون آن اصول‌اند، اشکالات دیگر این نظریه است. توجه به کلیات و حرکت از قواعد کلی به سوی امور جزئی در مقام عمل، همیشه پاسخ‌گو نیست؛ این مشکل که به شکاف بین عمل و نظر

1. Theory Based Reasoning.

معروف است، بدین معناست که به‌صرف آگاهی از اصول کلی و یا معیارهای هنجاری به‌راحتی نمی‌توان تشخیص داد که چگونه باید عمل کرد. از این‌رو پیشنهاد می‌شود در این موارد، قدری هنجارها و احکام را جزئی کنیم تا بتوانیم مورد خاصی را تحت پوشش آن قرار دهیم.

قطعا روش اسلامی رویکرد انتزاعی نداشته و هرچند می‌توان آن را بر اساس مبانی و اصول اخلاق اسلامی و نظریه اخلاقی اسلام تفسیر نمود ولی امری است که در شرایط واقع شده و بدون در نظر گرفتن اصول انتزاعی به حل مسئله همت می‌گمارد از این‌رو حل چالش‌های اخلاقی بر اساس ویژگی‌های روانشناختی فاعل اخلاقی و انطباق آن با حالات درونی شخص - که می‌توان آن را بر اساس فطرت آگاهانه و وجدان اخلاق مبتنی بر تفسیر و قرائت دینی تبیین نمود - فاعل اخلاقی تصمیم‌گیری خواهد کرد. البته معنای این سخن بی‌توجهی به اصول اخلاقی نیست چه اینکه بر اساس دیدگاه واقع‌گرایانه اخلاق اسلامی اصول اخلاقی اموری هستند که مبتنی بر حقائق وجودی قابل تفسیراند.

۲.۴. روش استقراء‌گرایی (استدلال مبتنی بر مورد)

طرفداران این رهیافت، معتقدند تنها هنگامی که شناخت و درکی عمیق از موقعیت‌های خاص و همچنین درکی از سابقه موقعیت‌های مشابه داشته باشیم، می‌توانیم احکام اخلاقی در خصوص فاعل‌ها و افعال‌ها با موفقیت توجیه کنیم. این نظریه بر مورد‌پژوهی (استقراء) برای یافتن معقول‌ترین راه‌حل مسئله تأکید می‌کند. (اسلامی، ۱۳۸۹، ص. ۳۱) در این شیوه، توافقات و رفتارهای اجتماعی افراد به‌عنوان نقطه شروع استدلال و تصمیمات اخلاقی انتخاب می‌شود که با توسعه آن به

موارد جدید می‌توان تصمیمی مشابه تصمیمات گذشته گرفت و از مجموع آن‌ها به حکم اصلی کلی دست‌یافت. این شیوه استنتاجی که از مطالعه موردی و فهم مشکلات و راه‌حل‌های برخاسته از متن و فرهنگ جامعه آغاز می‌شود، نهایتاً ما را به الزامات خاصی می‌رساند که برای دیگرانی هم که در شرایط مشابه قرار می‌گیرند صادق است. (خزاعی، همان، ص. ۳۳)

یکی از اشکالات مطرح درباره این دیدگاه، این است که اخلاق کاربردی چگونه می‌تواند از قراردادگرایی و محافظه‌کاری اجتناب کند؟ اعتقاد به این که توافق اجتماعی یا قواعد و ملاک‌های اخلاقی مورد توافق در یک قرارداد اجتماعی موجب درستی افعال می‌شود، بسیار محافظه‌کارانه است و هیچ جایی برای پیشرفت و اصلاح اخلاقی باقی نمی‌گذارد. (اسلامی، همان، ص. ۳۱-۳۴) در این روش، به دلیل آن که هیچ معیاری را برای تعیین روشی ارائه نکرده است که از طریق آن بتوان مانع ورود موارد نامرتب‌گردید و یا از غفلت از موارد مرتبط پرهیز کرد، پیامدهایی را به دنبال دارد که در مجموع این احتمال را تقویت می‌کند که بدون لحاظ‌هنگارها و معیارهای کلی اخلاقی، از توان قضاوت و تصمیم‌گیری برخوردار نباشیم. علاوه بر این که نقش فیلسوفان اخلاق در این جا به تحلیل اخلاق حرفه‌ای و نزاع درباره تکنیک‌ها کاهش می‌یابد و آن‌ها دیگر قادر نیستند تا به ارائه یک حکم کلی اخلاقی پردازند. در این صورت، نظریه‌های هنگاری به حاشیه می‌روند یا صرفاً به عنوان فهرستی از دیدگاه‌های اخلاقی موجه ارائه می‌شوند. (خزاعی، همان)

این مسئله می‌تواند قرینه‌گرایی را با دشواری مواجه سازد، چرا که موقعیت‌های مختلفی که افراد تجربه می‌کنند به جهت زمانی، مکانی، روحی و روانی و شرایط

متغیر بسیار دیگری، ممکن است متفاوت و متضاد باشند. از این جهت نمی‌توان از موقعیت‌های مشابه لزوماً به نتیجه دقیق و کاملی رسید. در واقع قرینه‌گرایی با یک نوع نسبی‌گرایی همراه است نه یک امر مطلق پذیرفته‌شده در بین همگان که براساس آن بتوان در موقعیت‌های مشابه، لزوماً به راه‌حل‌های مناسب و مشابهی دست یافت. به دیگر معنا تصمیم‌گیری بر اساس موقعیت‌های تجربه‌شده شخصی ممکن است به یک نوع نسبی‌گرایی بیانجامد از سویی در دیدگاه اسلامی تجربه‌هایی که مبتنی بر شاخص‌های ثابت و مبانی مورد پذیرش الهیات اسلامی زمینه فهم و درنهایت تصمیم فاعل اخلاقی می‌گردند می‌تواند دارای اعتبار باشد.

البته در دیدگاه اسلامی هیچ‌گاه تجارب اهل خبره رد نشده و توصیه به بهرمندی از تجربیات دیگران نیز بسیار سفارش شده است. در این روش انسان‌های آزموده می‌توانند یکی از منابع مهم معرفتی به حساب آیند و از این جهت می‌تواند هم مکمل روش عقلی و هم حل‌کننده بسیاری از موردهای تأمل برانگیز و محل تعارض باشد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «التَّجْرِبَةُ تُؤْمِرُ الْإِعْتِبَارَ: تجربه عبرت آموزی به بار می‌آورد.» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص. ۵۹) و نیز می‌فرماید: «مَنْ قَلَّتْ تَجْرِبَتُهُ خُدِعَ: هرکس تجربه‌اش اندک باشد، فریب می‌خورد.» (همان، ۱۴۱۰، ص. ۳۲۱)

اما آنچه‌آنچه بیان خواهیم کرد بیشترین ثمره‌ای که این روش به همراه دارد تکرار تجارب معنوی و عملکرد اخلاقی انسان‌های رشد یافته که به شکل مستمر درچنین افرادی سامان یافته و دریچه‌ای از فهم و معرفت را بر انسان می‌گشاید و باعث حل چالش اخلاقی خواهد شد.

۳.۴. موازنه متفکرانه

این روش میان احکام اخلاقی در موارد عینی و تعهدات ما به اصول، ارتباطی دیالکتیکی (جدلی) قائل است. تأمل در اصول، گاه حکم مورد نظر را ملغی می‌کند و گاه حکم مورد نظر، بازنگری اصول را قوت می‌بخشد. بر این پایه آنچه در هر تفکر اخلاقی نظام‌مند باید دنبال شود، عبارت است از یک تلفیق منسجم و متوازن میان اصول عام و احکام خاص. بدین ترتیب توسط به قواعد هنجاری عام حتی در سطح متوسط قواعد، هرگز به معنای نادیده گرفتن حکم حاصل از مورد نیست. در مقابل، تعارض میان یک قاعده کاربردی و ملاحظه ژرف‌کاوانه «موردها» همواره به بازنگری و اصلاح تفسیر مضمون قاعده منتهی می‌شود. (اسلامی و همکاران، ۱۳۸۹، ص. ۳۲-۲۸) در این شیوه، متخصصان به توصیف موقعیت جزئی می‌پردازند و فیلسوفان، براساس نظریه‌ها و اصول کلی اخلاقی با تحلیل موقعیت‌ها و انطباق آن‌ها بر اصول کلی، درصدد ارائه راه‌حل برمی‌آیند. اگرچه این روش با تلفیق دو روش قبلی سعی کرده است که نواقص موجود در هریک را پوشش دهد، اما باز نسبت به روش اسلامی که روشی جامع است، نواقصی دارد.

در اصولی چون اصل عدالت، اصل صداقت و دیگر اصول اخلاقی سخن آن است که آیا همه موارد را می‌توان مطلقاً در همه شرایط جاری و ساری دانست؟ اساساً ممکن است در برخی موارد ما اصول را به نفع یک موقعیت خاص تفسیر کنیم. ردپای چنین دیدگاهی در آموزه‌های دینی انعکاس یافته است. نمونه آن «دروغ مصلحت‌آمیز» است که امری مثل «مصلحت» که البته باید تفسیر درستی از آن شود، در اصل صداقت دخل و تصرف نموده و باعث می‌شود ما هر راستی را شایسته ارزش‌گذاری ندانیم. مانند روایاتی که دروغ‌گفتن به همسر، دروغ برای اصلاح

ذات‌البین، دروغ در میدان کارزار، دروغ به‌جهت دفع شر را مجاز دانسته‌اند.^۱ در مجموع بیشتر این روش‌ها سهم اصلی را به متغیرهای بیرونی چون اصول انتزاعی یا شرایط موقعیت اخلاقی و شواهد و قرائن می‌دهند و در نهایت فاعل اخلاقی باید با نظر به اصل و موقعیت و یا موازنه بین اینها دست به تصمیم اخلاقی بزند. آنچه ما در کلام علوی پی خواهیم گرفت با محوریت فاعل اخلاقی و توجه دستگاه معرفتی و عاطفی فاعل است که توضیحش در ادامه خواهد آمد.

ردیف	روش	نقد
۱-	روش قیاس‌گرایی	انتزاعی بودن؛ جداسازی اندیشه اخلاقی از واقعیات اجتماعی، سنن و فرهنگ‌ها؛ تاریخ‌ناگرایی؛ ابهام اصول؛ عدم توانایی در حل مسائل پیچیده؛ پایان‌ناپذیری توجیحات عقلانی
۲-	روش استقراء‌گرایی	عدم معیار و ملاک در تعیین روش ابتدای روش بر قراردادگرایی نسبی‌گرایی
۳-	روش موازنه متفکرانه	بسندگی کردن به قیاس‌گرایی و استقراء‌گرایی و عدم توجه به راه‌های دیگر (موازنه متفکرانه غیرگسترده) غیرموجه دانستن آن به‌لحاظ معرفتی (موازنه متفکرانه گسترده)

انواع روش‌های حل چالش‌های اخلاقی مطرح در فلسفه اخلاق و نقاط ضعف آن‌ها

۱. برای نمونه می‌توان به این روایت از امام صادق \times اشاره کرد: «الْكَذِبُ مَلْعُومٌ إِلَّا فِي أَمْرَيْنِ دَفَعِ شَرَّ الظُّلْمَةِ وَ إِضْلَاحِ ذَاتِ الْبَيْنِ»؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۹/۲۶۳. همچنین رک: اسلامی، ۱۳۸۷؛ اترک، حسن، ۱۳۸۸: ۱۶۹-۱۴۳؛ همو، ۱۳۸۹: ۹۴-۷۵؛ همو، ۱۳۹۲: ۱۲.

۴.۴. روش برگزیده

هرچند در ذیل روش‌های فوق، اشاره‌هایی به دیدگاه اسلامی و نقدهای آن داشتیم، و تاحدی مولفه‌های اصلی دیدگاه اسلامی ذیل دیدگاه‌های طرح شده ارائه گردید در این قسمت به شکل صریح‌تر دیدگاه اسلامی در روش حل چالش‌های اخلاقی را ارائه می‌کنیم. به نظر می‌رسد روش‌های پیش‌گفته تا حدی بر عنصر انسانی در جنبه‌های عقلانی که استدلال رکن و اساس آن است و نیز بهره‌مندی از تجارب بشری و عوامل مادی دیگری که سامان یافته است استوار شده است، درحالی‌که ما در تعالیم اسلامی چنین روش انحصارگرایانه‌ای را در باب انجام افعال اخلاقی یا تصمیم در موقعیت‌های اخلاقی بر نمی‌تاییم. البته این به‌معنای انکار و مردود دانستن این روش‌ها نیست. در روش اسلامی، ضمن توجه به این روش‌ها، تحلیلی که از آموزه‌ها و منابع دینی صورت گرفته روش ما را در ابعاد گوناگون وجود انسان توسعه می‌یابد و پا را فراتر از روش‌های سه‌گانه رایج می‌نهد. به ویژه اینکه از دیدگاه منابع دینی انسان وجودی روحانی و جسمانی است و حقیقت روحانی وی بر جنبه‌های عقلی و جسمانی غلبه دارد. به اعتقاد نگارنده در روش اسلامی برای حل معضلات و دوره‌های اخلاقی سه عنصر تأثیرگذار دخیل است؛ نخست عنصر عقل و اندیشه که در گرو زیست عقلانی انسان و برخاسته از تجارب بشری است، و بیشتر می‌توان این گوهر را در روش قیاس‌گرایی منطبق دانست. ازسویی استقراء‌گرایی نیز که استدلال مبتنی بر تجربه‌ها و موارد احصا شده است در این روش قابل انطباق است. البته این عنصر مهم و تأثیرگذار، محدودیت‌ها و ملاحظاتی هم دارد که باید براساس مراقبه‌های مورد تذکر دین آن را مدیریت نمود. عنصر دوم تعالیم و حیانی و آنچه از

منابع معتبر دینی به دست ما رسیده است که از آن به عنوان عنصر «نقل» نیز یاد می‌کنند. البته بر اساس دیدگاه اسلامی این عنصر در مقابل عنصر عقل یا در عرض آن نیست بلکه بر همه ابعاد وجودی انسان سایه افکنده و منطبق با چنین حقیقتی می‌توان عناصر و ابعاد وجودی انسان را تفسیر نمود. و عنصر سوم شهود و دریافت‌های باطنی است که البته باید بر اساس شاخص و معیارهای صحیح آن را ارائه نمود. نکته مورد تذکر در باب عنصر شهود اخلاقی آنست که در راه‌های رایج حل چالش‌ها و دوره‌های اخلاقی به این عنصر اساسی توجه چندانی نمی‌شود. در اصل الهامات و دریافت‌های درونی اگر به شکل صحیح و مبتنی بر روح انسانی و وجدان اصیل آدمی باشد می‌تواند راهنمای انسان در مسیر اخلاق و انتخاب‌های دشوار باشد. آموزه‌های قرآنی مثل «من یتق الله یجعل له فرقانا» و یا آیه شریفه «اتقوا الله و یعلمکم الله» موید چنین مسئله‌ای است. در اصل مبانی دینی تأیید می‌کند کسانی که پروای الهی دارند به جهت شناخت حق و باطل و رسیدن به حقیقت در شرایط سخت و دشوار انتخاب و تصمیم‌گیری بر اساس هدایت‌های باطنی به حقیقت نائل می‌شوند و خداوند این مسئله را به عنوان یکی از سنت‌های قطعی خود قلمداد کرده و آن را پیش روی انسان قرار داده است. از اینرو ما در روش‌های رایج چنین عنصری را ملاحظه نمی‌کنیم. در تعالیم اهل البیت نیز چنین ظرفیتی بسیار مورد توجه قرار گرفته است. نگارنده در پژوهش مستقلی بر اساس حکمت ۲۸۹ نهج البلاغه روشی را مبتنی بر ابعاد وجودی فاعل اخلاقی و تمرکز بر ویژگی‌ها و خصائص اخلاقی فاعل اخلاقی در موقعیت‌های خاص و دوره‌های اخلاقی با تمرکز بر عنصر شهود تقریر نموده است.

(فلاح، ۱۴۰۰، ص. ۵۰)

نکته دیگر در باب روش منتخب ما که روشی ترکیبی و تلفیقی است اینکه این سه حوزه را نمی‌توان از هم جدا دانست، لذا روش اخلاق اسلامی در حل چالش‌های اخلاقی نزدیک به بهره‌گیری منابع و معارف دینی در حل مسائل فقهی است که براساس منابع اصلی دین صورت می‌گیرد. در چنین روشی هم به دریافت‌ها و استدلال‌های عقلی توجه می‌شود و هم عنصر نقل و تحلیل آموزه‌های دینی حائز اهمیت است و هم به شهود و دریافت‌های باطنی توجه می‌شود، البته در فقه دست ما از عنصر سوم یعنی شهود تهی است و نمی‌توان احکام شرعی را بدان مستند ساخت. استنباط از این طریق برای مکلفان هم حجت نیست، ولی در مسائل اخلاقی به‌ویژه حوزه تصمیم‌گیری اخلاقی، دریافت‌های باطنی محل توجه و تأمل است و مورد تأیید گزاره‌های دینی نیز واقع شده است. باید به این مسئله توجه کرد که در فرایند تصمیم‌گیری اخلاقی از مرحله تصور تا انجام فعل اخلاقی، - آنچنان که در تعریف اخلاق کاربردی اسلامی هم بیان شد - عناصر سه‌گانه فوق (عقل، نقل و شهود) مؤثرند و می‌توانند تصمیمات و انتخاب‌های اخلاقی افراد را تحت الشعاع قرار دهند، البته این تصمیم‌گیری در هر مرحله اقتضائات خود را دارد و براساس معیارها و سنجه‌های گفته‌شده قابل تبیین است.

نکته پایانی در این باب که از منظر روش بسیار کارگشاست بهره‌مندی از ظرفیت‌های دانش‌های دیگر اسلامی در حل چالش‌های اخلاقی است. در این زمینه دانش کلام می‌تواند مبانی فکری و عقیدتی فاعل اخلاقی را روشن ساخته و به مدد مبانی نظری بسیاری از معماها و راهبردهای اساسی در این زمینه روشن شود. دانش فقه با گستره وسیع مسائل و به ویژه بهره‌ای که از قواعد اخلاقی و دیگر قواعد و

اصول فقهی می‌تواند در این زمینه کارگشا باشد و به مدد اخلاق اسلامی در حل این چالش‌ها بیاید. دانش اصول فقه از این منظر بسیار راهگشاست کما اینکه برخی از پژوهشگران اخلاقی با تمرکز بر میزان بهرمندی از اصول فقه در اخلاق به دانش اصول فقه نظر افکنده و به مدد باب تعارض اصول از منظر اخلاقی به بحث پرداخته‌اند. دانش‌های دیگری مثل حدیث، تفسیر و حتی تاریخ نیز می‌توانند زمینه ساز استنباط دقیق تری از احکام اخلاقی شده و به روش مطلوبی برای حل دوره‌های اخلاقی بیانجامد. کاربرست دانش‌ها و منابع اسلامی در حل چالش‌های اخلاقی مسئله مستقلی است که مجال دیگری را می‌طلبد.



نتیجه‌گیری

اخلاق کاربردی اسلامی را می‌توان بر اساس سه ضلع: موضوع، هدف و روش تبیین و ارائه نمود. از آنجایی که این سه ضلع مولفه‌های اصلی یک تعریف را شکل می‌دهند، بررسی و تحلیل این سه محور در تعریف اخلاق کاربردی اسلامی می‌تواند ماهیت این دانش کاربردی با دیدگاه اسلامی را بیشتر نشان دهد. اساساً اخلاق کاربردی از آن جهت بدین نام آشناست که برای حل دشواری‌ها و چالش‌های جدیدی که صورت می‌گیرد با کاربست نظریه‌های اخلاقی بتوانند چالش‌ها را حل کنند. در دیدگاه اسلامی آنچه می‌تواند منجر به حل چالش‌های اخلاقی شود در گرو ملاحظه همه ابعاد وجود انسان و بهره‌گیری از روش عقلی، شهودی و بهرمندی از آموزه‌های وحیانی است. در اصل با توجه به مبانی و اصول متخذ از آموزه‌های اسلامی و در پرتو عقل مورد تایید دین و البته دریافت‌های شهودی که از مراقبت و پرهیزکاری انسان ناشی است افراد می‌توانند در شرایط دشوار اخلاقی دست به تصمیم‌سازی بزنند.

دیدگاه‌های بینابینی نظریه اسلامی با نگاه حصر گرایانه گاهی جانب عقل و استدلال را گرفته و به اصل‌گرایی و انطباق‌موقعیت‌ها با اصول مسلم و پیش‌تعیین شده متوسل شده‌اند و گاه جانب استقراء و تجارب و آزموده‌های بشری را در موقعیت‌های خاص پذیرفته‌اند. در کنار ایندو دیدگاه موازنه متفکرانه به عنوان یک روش بینابین خواسته است بین اصل‌گرایی و استقراء گرایمی موازنه و پیوند ایجاد کند. به هرروی آنچه می‌تواند منجر به حل مسئله شود در نظر گرفتن همه ابعاد و جوانب معرفتی، عاطفی و عملی است ضمن آنکه نمی‌توان از پیوند سه حوزه عقل و

نقل و شهود در حل دشواری‌های اخلاقی غفلت نمود. این مهم در کنار منابع جانبی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی مثل: فقه، اصول، کلام و... می‌تواند ظرفیت بی‌بدیل و جامعی را در حل چالش‌های اخلاقی پیش‌روی صاحب‌نظران اخلاقی قرار دهد؛ امری که نیازمند پژوهش‌های بیشتر و مورد آزمون خطا قرار دادن بیشتری از سوی صاحبان حرف، سیاسیون، و به ویژه دانشمندان حوزه اخلاق اسلامی است.



منابع

۱. محمدی اشتهاردی، محمد (۱۳۷۴). *مسلم بن عقیل (ع) پیشتاز شهیدان کربلا*. تهران: نشر مطهر.
۲. معین، محمد (۱۳۶۰). *فرهنگ فارسی*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۳. خوانساری، محمد (۱۳۷۶). *فرهنگ اصطلاحات منطقی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۴. حسین بن احمد زوزنی (۱۳۷۴). *کتاب المصا‌در*. تهران: چاپ تقی بینش.
۵. اترک، حسن (۱۳۸۸). *چیستی دروغ. آینه معرفت*. ش ۲۰، ۱۶۹-۱۴۳.
۶. _____ (۱۳۸۹). *ماهیت و حکم اخلاق توریه. معرفت اخلاقی*، سال اول، ش چهارم، ۷۵-۹۴.
۷. _____ (۱۳۹۲). *معنای دروغ مصلحت‌آمیز. پژوهش‌های فلسفی*. سال هفتم، شماره مسلسل ۱۲.
۸. اسلامی، محمد تقی (۱۳۹۳). *شناسنامه علمی اخلاق کاربردی. پژوهش‌نامه اخلاق*، سال هفتم، ش ۲۵، ۲۲-۷.
۹. _____ (۱۳۹۶). *روش‌شناسی قیاس‌گرایانه در اخلاق کاربردی؛ جایگاه نظریه در استدلال‌های اخلاقی. روش‌شناسی علوم انسانی*، ش ۲۳، ۹۳، ص ۲۰۹.
۱۰. _____ (۱۳۹۷). *روش‌شناسی موردکاوانه در اخلاق کاربردی. پژوهش‌های فلسفی کلامی*. سال بیستم، شماره پیاپی ۷۵، ص ۹۹.
۱۱. اسلامی، سیدحسن (۱۳۸۷). *دروغ مصلحت‌آمیز (بحثی در گستره و مفهوم آن)*. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۱۲. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰). *غررالحکم و دررالکلم*. محق: مصحح: رجایی. سید مهدی. قم: دارالکتب الاسلامی.
۱۳. خزاعی، زهرا (۱۳۸۹). *اخلاق کاربردی: ماهیت، روش‌ها و چالش‌ها*. جستارهایی از اخلاق کاربردی. جمعی از نویسندگان. قم: دانشگاه قم.
۱۴. _____ (۱۳۸۹). *اخلاق فضیلت*. تهران: انتشارات حکمت.

۱۵. فرامرز قراملکی، احد (۱۳۷۷). روی آورد بین رشته ای و هویت معرفتی فلسفه صدرایی .
مقالات و بررسی ها . تابستان ۱۳۷۷ - شماره ۶۳، صص ۱۲۵-۱۳۶
۱۶. شریفی، احمد حسین (۱۳۹۰). چیستی اخلاق کاربردی. معرفت/اخلاقی. سال دوم، شماره سوم، تابستان، صفحه ۸۳-۹۶.
۱۷. فلاح، محمد جواد (۱۴۰۰). روش حل دوره‌های اخلاقی بر اساس حکمت ۲۸۹ نهج البلاغه. مشکوة. دوره ۴۰، شماره ۳ - شماره پیاپی ۱۵۲، آذر ۱۴۰۰، صفحه ۵۰-۷۳
۱۸. _____ و کرنوکر، نسیم (۱۳۹۷). مرزشناسی اخلاق فردی و اجتماعی و تحلیل ارزش گذاری آن با معیارهای اسلام. پژوهشنامه/اخلاق، ش ۴۲، صص. ۱۱۳-۱۳۲
۱۹. _____ (۱۴۰۰). تحلیل معنایی "خلق عظیم" در قرآن بارویکرد تفسیری. اخلاق و حیانی. سال یازدهم پاییز و زمستان ۱۴۰۰ شماره ۱ (پیاپی ۲۱) صص ۳۹-۶۶.
۲۰. جمعی از نویسندگان، زیر نظر محمدتقی مصباح یزدی (۱۳۹۱). فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی. تهران، مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان (انتشارات مدرسه).
21. Lawrance C. Beeker, 2001, applied ethics, in the encyclopedia of ethics Ed by, London & New York, V.1, p 80.
22. Beauchamp, Tom L. 1999, Applied Ethics, in Macmillan Compendium philosophy and Ethics; Macmillan Library Reference, U S A.
23. Michael Davis, 1990, the ethics boom: what and why, The Centennial Review, (pp. 163-186).